

سخن سردیر

ادراک از طریق فکر، مجرد است، یعنی وابسته به جسم (ماده) نیست. لذا بی‌انتها است. شناخت از طریق حس (حواس) است و وابسته به جسم است. محدود به جسم (ماده) است. ادراک ملموس نیست، مجرد است و دلیل بر وجود روح یا نفس است. بدن فقط شرط ظهور نفس یا روح یا ادراک یا فکر است. به عبارت بهتر تن معبر و راه عبور است. اگر بدن وجود نداشته باشد بلکه نظر (فکر) وجود داشته باشد همه جا هستیم، نفس یا روح یا ادراک یا فکر و یا نظر در بقای خودش نیاز به بدن ندارد ولی شناخت و احساس نیاز به بدن دارند. همه موجودات به همین دلیل کرانه دارند غیر از انسان که کرانمندی بی کرانه است. کرانمندی جسم (حس) و بی کرانگی به نفس (روح) و ادراک یا فکر و نظر مربوط است. لذا است که امروزه اهمیت نظریه و نظریه پردازی در علوم انسانی جایگاه مهمی را در جهان علم به خود اختصاص داده‌اند. روش‌های تحقیق کیفی در علوم انسانی جایگزین روش‌های تحقیق کمی که موجب محدودیت فکر است می‌شوند. نظر و نظریه‌پردازی که ناشی از یک ذهن خلاق است جای روش‌های تجربی در تحقیق که انسان را محدود به یک جامعه آماری محدود می‌کند در مطالعات علوم انسانی می‌گیرد. چرا که فکر بی‌انتها است و محدودیت ندارد در حالی که جسم و تن و جامعه و به تبع آن جامعه آماری محدود و موجب محدودیت فکر می‌شوند. از این رو اهمیت نظریه‌پردازی در علوم انسانی بیشتر از تحقیقات تجربی مبتنی بر آمار و اطلاعاتی است که موجب محدودیت مطالعات انسانی می‌شود. فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول) همگام با این تحول جهانی به اطلاع اندیشمندان علوم انسانی می‌رساند که برخلاف روال جاری که مقالات با روش‌های تحقیق تجربی (کمی) در علوم انسانی را در چاپ اولویت قائل هستند قرار بر این گذاشته است که برخی از مقالات هر شماره را به مقالاتی با محتوای نظریه پردازی و استفاده از روش‌های تحقیق کیفی تخصیص دهد؛ باشد تا این اقدام در گشایش ذهن‌ها، فکرها، ایده‌های نو و جدید که از تفکر حاصل می‌شوند موثر باشد و علوم انسانی را در چارچوب محاسبات آماری محبوس ننماید و فکر و اندیشه را در علوم انسانی به پرواز درآورد. بدیهی است در این زمینه عالمان اندیشمندی که مطالعات و تجربه کافی در امر علوم انسانی دارند مخاطب این سطور هستند. البته هر چند «نظر» یا «نظریه» مستند به نظر یا نظریه دیگران نیست ولی حاصل مطالعات و تجربیات اشخاص متفکر و اندیشمندی است که پس از سالها تفکر و تفحص در یک موضوع انسانی به نظر یا نظریه‌ای تازه رسیده‌اند. متأسفانه این اشتباه که برخی تصور می‌نمایند که نظر یا نظریه هم باید مستند به نظرات دیگران باشد و حتی نظر برخی از متولیان امر کرسی‌های نظریه‌پردازی هم همین هست درست نیست! چرا که نظری که قائم یا مستند به نظر دیگران باشد «نظریه» نیست بلکه نقل قول است و فلاسفه و علمای ایرانی اسلامی همچون ابوعلی سینا و ملاصدرا و ... نظرات خود را مستند به فکر و ذهن و خلاقیت خود نمودند و نه نظرات دیگران. اگر دانشگاه به دنبال نظریه‌پردازی در علوم انسانی و تربیت ابوعلی سینا و ملاصدرا ... بدین معنا است مستند سازی را باید به دست فراموشی بسپارد و در نظر و نظریه‌پردازی به فکر و ذهن و مطالعات و تجربیات فیلسوف متکی باشد. خود نظر را مورد بررسی و مطالعه و ارزشیابی قرار دهد و نه مستندات آن را.